الباب الثالث و العشر من الواحد الخامس فی بیان کتاب الوصیة للاموات علی ما امر فی البیان.

حضرت باب

اصلی فارسی



## **الباب الثالث و العشر من الواحد الخامس** فی بیان کتاب الوصیة للاموات علی ما امر فی البیان.

ملخص این باب آنکه هیچ فضلی من الله در حق عباد اعظم تر از این نبوده که اذن داده ایشان را بعبادت خود و تعلیم ایشان فرموده بتسبیح و تحمید و توحید و تکبیر خود را و اذن داده که در وقت موت کتاب وصیتی نوشته شود متضمن بر اقرار بوحدانیت او و عدل و این خلق و امر از برای او است و اقرار بنقطۀ الهیه و حروف حی او اظهار حب بمظاهر اسماء و امثال او و استیعاذ از آنچه دوست نداشته و ندارد محبوب او و آنچه که تمنا دارد از مقصود خود

و امر نماید که کتاب را رسانند ”بمن یظهره الله“ که اگر مشیت او تعلق گرفت بر جواب او همان است جوابی که من الله در حق او نازل شده و حفظ آن با وراث او است که یدا بید الی ”من یظهره الله“ رسیده بر احسن خط و الطف حسن زیرا که طول ظهوری تا ظهوری مبین است و حفظ ما بینهما نزد کل اسهل از هر شیئی است

ولی منتهای دقت نموده که العیاذ بالله ظهور حق نشود و او محتجب ماند یا کتابی که نزد او است نرساند که این امر ظاهر است که در نزد ظهور حق هر نفسی بشیئی مغتر است ولی نمیداند که مایه اغترار او از خود آن حق است از ظهور قبل او که در ظهور بعد خود نسبت بخود نمیدهد از جهت علو ظهور خود مثل ظهور رسول الله - صلی الله علیه و اله - که ظهور عیسی - علیه السلام - را مقدمه ظهور خود ذکر فرموده و خود را بآن ظهور معروف کل نفرموده

و الا شبهه نیست که اهل بیان بآنچه دین ایشان ثابت شده بکمال ما ینبغی عمل کرده ومیکنند ولی یوم اخذ نتیجه محل کلام است مثل آنکه کل در حین موت ﴿لا اله الا الله﴾ میگویند و میروند و در این ظهور ظاهر بملک که بامر قبل او این کلمۀ را میگوید در حین موت میگوید ولی مظهر این کلمۀ که مدل علی الله هست در جبلی بغیر حق مستور این است که کل اعمال هباء منثورا میگردد

همین قسم کل کتاب وصیت خواهید نوشت و شهادت از برای خداوند بوحدانیت خواهید داد و خواهید گفت لا اشرک بالله شیئا ولی یوم ظهور نفوس خودتان مظهر شرکی است که نفی کرده اید و ملتفت نیستید این است که یک دفعه دین خود را باطل میکنید و مشعر نمیگردید قدری ترحم بر خود نموده که عملی که میکنید از روی بصیرت باشد لعل یوم قیامت توانید نجات یافت

و بدانید که مبدأ این کتاب من الله هست ولی بما نطق به النقطة و رجوع آن الی الله هست ولی بما یرجع الی ”من یظهره الله“ چه بسا که مینویسید ولی بکسی که می نویسید نمی شناسید و او خود را بشما می شناساند بحجتی که دین کل بر پا است ولی حجابهای انفس خودتان مانع میگردد

مثل آنکه امروز کل اهل قرآن بامر قبل او عمل میکنند ولی از محقق امر محتجب مانده با وجودیکه حجت اوامر قبل را مشاهده مینمایند بنحو اشرف ولی ملتفت نمی شوند نه این است که آنهائی هم که این کلمات را می بینند ملتفت شوند بلکه نزد خیال خود چنین گمان میکنند که اگر ظهور حق شود اقرب خلقند بسوی او ولی همین نفوس در هر ظهوری هستند که در آخر آن ظهور باعلی درجه آن دین رسیده اند ولی باز واقع میشود آنچه واقع میشود و الله بصیر بما انتم تعملون.

